

آیا تفاوت گذاشتن

بین فرزندان در ارث و کمک‌های مالی گناه‌است؟

خود به عدالت رفتار نمایید، همان‌طور که مایلید فرزندان شما و مردم، بین شما به عدل‌داد رفتار کنند.»^۵

۳- یکی از اصحاب امام‌موسی‌کاظم(ع) می‌گوید: از آن حضرت پرسیدم: مردی دارای پسرانی است که از یک مادر نیستند، آیا می‌تواند (در محبت) بعضی را بر بعضی ترجیح دهد؟ فرمود: «اشکالی ندارد، پدرم مرا بر عبدالله ترجیح می‌داد.»^۶

۴- یکی از اصحاب امام‌زحاک(ع) از آن حضرت پرسید: یک مردی بعضی از فرزندان را بر بعضی برتری می‌دهد یا یکی را از دیگری بیشتر دوست می‌دارد. آن حضرت فرمود: «آری، حضرت صادق(ع) نیز این‌طور رفتار می‌کرد و بسه محمد موسی‌بن‌جعفر(ع) نیز به احمد علاقه داشت و او را بر دیگر فرزندان فضیلت می‌داد.» آن شخص می‌گوید: هنگامی که از جای خود برخاستم عرض کردم: قربانت کردم مردی دخترش را از پسرش بیشتر دوست دارد؟ آن حضرت فرمود: «دختر و پسر با هم مساوی هستند.»^۷

بنابراین، از روایات فهمیده می‌شود:

۱. تفاوت میان فرزندان به جهت مزیت و فضیلت اخلاقی و معنوی اشکال ندارد؛
۲. دختری یا پسر بودن فرزند مزیت به حساب نمی‌آید؛ زیرا از جهت فرزند بودن مساویند.

پی‌نوشت:

۱. برگرفته از نمایه ۱۰۷۲۶ (سایت: ۱۰۴۶۳)؛ و.ر.ک: نمایه ۳۲۵۴ (سایت: ۳۹۶۳)

۲. برگرفته از نمایه ۱۰۲۳۳ (سایت: ۱۰۵۱۰)

۳. عاملی، حز، وسائل‌الشیعه، ج ۲۱، ص ۴۸۶، موسسه آل‌البیت(ع)، قم، چاپ اول، ۱۴۰۹.

۴. همان.

۵. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج ۱۰۱، ص ۹۲، نشر اسلامی، تهران، سال چاپ: مختلف، توبت چاپ: مکرر.

۶. یعنی، عبدالله افطح.

۷. وسائل‌الشیعه، ج ۲۱، ص ۴۸۷، همان.

بحث ارث یکی از پیچیده‌ترین احکام فقه اسلام است که در قرآن و روایات، قوانین و دستورات مهمی برای تقسیم آن بیان شده‌است که باید مورد توجه قرار گیرد.^۱ میزان ارث توسط افسراد قابل‌تغییر نیست؛ از این‌رو، والدین نمی‌توانند میان فرزندان به سلیقه خود در ارث تفاوت گذاشته یا فرزندان خود را از ارث محروم کنند. اما هرکدام از والدین پس از مرگ در صورت وصیت به بیش از مقدار ثلث، تنها به مقدار ثلث (یک‌سوم) آن نافذ و قابل‌انجام است، ولی اگر بیشتر از آن باشد اگر همه ورثه بالغ و عاقل باشند و اجازه دهند وصیت ارزش داشته و به آن عمل می‌شود و اگر برخی از ورثه بالغ و عاقل باشند به‌همان نسبت نافذ است و اگر همه یا برخی از آنها اجازه ندهند، در همان اندازه ثلث ارثش دارد.^۲

پدرومادر در زمان حیات خود، اگر در کمک‌های مالی (غیر از ارث) میان فرزندان تفاوت بگذارند، گناهی مرتکب نشده‌اند، اما: الف. اگر برخی از فرزندان دارای مزیتی و فضیلتی قابل‌ملاحظه و آشکار مانند اخلاقی نیکو، کمک به دیگران و... هستند، تفاوت میان آنان در کمک‌های مالی اشکال ندارد، اگرچه بهتر است که این تفاوت زیاد نباشد که باعث کدورت و حسادت میان آنان شود. والدین در وصیت و نیز کمک‌های مالی، در صورتی که مزیتی میان فرزندان نباشد، طوری عمل کنند که میان فرزندان اختلاف و کدورتی به‌وجود نیاید.

ب. اگر مزیتی قابل‌ملاحظه و آشکار میان فرزندان نباشد، تفاوت در کمک‌های مالی مکروه است.^۳

اینک در این‌باره به نمونه‌ای از روایات اشاره می‌شود:

۱- پدري بسا دو فرزند خود شرفیاب مضمر رسول‌اکرم(ص) بود. آن پدر یکی از فرزندان را بوسید و به فرزند دیگر اعتنا نکرد. پیامبراکرم(ص) که این رفتار نادرست را مشاهده کرد، به او فرمود: «چرا با فرزندان خود به‌طور مساوی رفتار نمی‌کنی؟»^۴

۲- امام صادق(ع) فرمود: «بین فرزندان

۵۰درصد تبعیض زیاد را گزارش داده‌اند یعنی پسران آزادی‌عمل بیشتری نسبت به دختران دارند. البته آیتم سفر رفتن در کشور ما مردانه است که در فرهنگ خانواده‌ها جاافتاده و وزنه تبعیض را در این مورد به سمت زیاد می‌چرخاند.

درمورد سهم امکانات در خانه، مواردی مثل شروع به غذاخوردن کردن و انتخاب کانال تلویزیون و تسهیلات داخل خانه مورد بررسی قرار گرفت که نتایج تقریباً متوسط بود. در موضوع میهمانی رفتن و میهمانی‌دادن، ۵۱درصد افراد دختر و پسر را برابر دانستند. در استفاده از خودرو بیشترین فراوانی تبعیض نسبتاً زیاد را نشان می‌دهد یعنی خودرو بیشتر در اختیار پسرهاست. در واقع به‌طور کلی بر خورداری از تسهیلات داخل خانه به غیر از استفاده از وسیله نقلیه شخصی، تفاوت و تبعیض فاحشی را نشان نمی‌دهد. درمورد هزینه‌های مالی، ۵۲درصد از افسراد گفته‌اند به دختر و پسرشان پول توجیبی برابر می‌دهند و ۲۳درصد عنوان کرده‌اند که پول توجیبی نابرابر می‌دهند سهم دختران و پسران از کلاس‌های آموزشی تقریباً برابر است، اما در آرایه سرمایه کسب و کار خانواده‌های بیشتری این امتیاز را برای پسرانشان قابل‌بودند تا دختران.

زنان پایه‌های مردان

در تأمین هزینه‌های زندگی

مولفه هزینه‌ها و درآمد خانوارها و شغل پدرومادر مولفه دیگری بود که مورد بررسی قرار گرفت؛ فراوانی شغلی پدران بیشتر مشاغل متوسط مثل کارمند، تکنیسین و مهندس و مغازه‌دار بود و بیشترین فراوانی مشاغل مادران یک پله از پسران پایین‌تر بود مثل مشاغلی مهارتی‌تر نظیر آرایشگری و مربی مهدکودک و معلم مدرسه یا منشی. تعداد زنان خانه‌دار در این تحقیق ۳۵ نفر بود که تقریباً ۷درصد کل را تشکیل می‌دهد. جالب‌است محل‌آرایه بر سشنامه اداره‌جات نبود بلکه پارک‌ها و مکان‌های عمومی انتخاب شده بودند که در نتیجه به‌نظر می‌رسد در تهران درصد زنان شاغل بالاست. درمورد میانگین مخارج خانواده بیشترین فراوانی در «۵۰۰ هزار تا یک‌میلیون تومان» بود. درمورد نحوه خرج کردن درآمد زن در خانواده تقریباً ۲۲ گزینه «آزادانه خرج کند» را انتخاب کرده بودند. طیف بعدی «بدون فشار کمی به مخارج خانه هم کمک کند» و مورد سوم این بود که «در مخارج خانه سهم باشد، اما بخشی از سرمایه هم به زن تعلق داشته باشد». گزینه آخر این بود که زن باید «کاملاً در آمدش را صرف نیاز خانه کند و همه چیز هم به نام مرد است.»^۵ ۱۵درصد از افرادی که در این تحقیق مورد سوال قرار گرفته‌اند، این گزینه را انتخاب کرده بودند. در این گزینه‌ها هرچه پایین‌تر می‌آییم، اعمال نفوذ مرد بیشتر می‌شود و زن اراده کمتری در خرج درآمد خود دارد. بیشترین فراوانی در این مورد یعنی ۲۵درصد، مربوط به گزینه‌ای بود که درآمد زن خرج خانه شود و بخشی از سرمایه به اسم او شود. قومیت‌ها عمدتاً فارس و ترک بودند. میزان کل پدرسالاری گزارش شده بالا بود و رقمی بالغ بر ۵۲ درصد را نشان می‌داد. به‌طوری‌که جزئیات نشان داد ۶۷درصد بر اعمال قدرت پدر در خانواده ادعان داشتند و مهم‌ترین فرد در خانه را پدر می‌دانستند. حساب‌بردن از پدر بیشترین فراوانی را داشت. دقیقاً از چه چیزی حرف می‌زنیم، آیا این تعریف از دیدن آدم‌های کوچک و بازار به‌دست می‌آید یا شنیدن آنها؟ واقعیت این است که متن به مجموعه‌ای از معناها و الگوهای گفته می‌شود که پذیرفته شده است. اگر این تعریف از متن را بپذیریم، متوجه می‌شویم که اصلاح‌کردن آن تا چه اندازه ظریف و دقیق خواهد بود. اگر در هر حالتی، چه به‌صورت رادیکال و چه سنتی، باید‌ها را پررنگ کنیم مثلاً بگوییم باید مثل هزار سال پیش عمل کنیم یا باید به وضع سوئد کنونی برسیم، در واقع نابرابری ایجاد کرده‌ایم. به همین دلیل است که باید گفت نسبی‌گرایی در بحث تبعیض‌ها نقش پررنگی دارد. شاید بد نباشد بدانید که در کتاب فلسفه زندگی درمورد نسبی‌گرایی نوشته شده: فرض کنید که زنان نباید هیچ انتخابی داشته باشند جز این که در خانه مشغول باشند و به امور خانه بپردازند. در صورتی که مردان باید بیرون روند و برای معاش خانه بکوشند. ما در مقابل چنین حرفی چه نظری داریم؟ آیا آن را نقض حقوق زنان به‌شمار می‌آوریم. سؤال اینجاست که برای این مسأله چه باید بگوییم؟ آیا باید بگوییم که گروه دیگر در این مورد خطا فکر می‌کنند؟ اگر نسبی‌گرایی مطرح نشود ما تنها درمورد خودمان می‌توانیم نظر بدهیم و نمی‌توانیم بگوییم چه کسی خطا است و چه کسی نیست. در کتاب بردگان آمریکا، دانشجویی در پاریس برای مدارس نامه می‌نویسد و می‌گوید: برابری نوعی اسم است که پس از این‌که وارد جریان خون انسان شد، دیگر هیچ‌کس نمی‌تواند آن را از میان ببرد. این سم سرچای خودمانده و ما را از درون خورده و فرسوده کرده است. منظورش این است که کلاس از اول هیچ‌کس فکر برابری را هم نمی‌کرد. اما بعضی‌ها این کارها را کردند و حالا که دست به این کار زدند، باید به دقت درباره‌اش می‌اندیشیدند و جوانب کار را

در نظر می‌گرفتند. اما هرگز چنین چیزی رخ نداد. او در ادامه می‌گوید: دلیل این‌که اندیشه برابری مثل زهر است، این است که هیچ اجتماعی آن را در سطح حیات سیاسی واجتماعی خود تحقق نیخمشده، با این حال خود این فکر که باید چنین باشد سبب شده که بیشتر مردم نسبت به موقعیت اجتماعی خود احساس گناه کنند. یعنی همیشه در هر فضای که هستند ناراضی‌اند و این نگاه رادیکالی وجود دارد. حالا باید بررسی کرد که آیا این مسأله طبیعی است یا خیر؟ ما باید ببینیم که تفاوت‌های فیزیولوژیکی بخشی از علت فاعلی نابرابری‌های جنسیتی است. پس بخشی از نابرابری بنابر همین علت طبیعی جلوه می‌کند و باورهای مردسالارانه هم آن را تشدید می‌کند.



باید اشاره کنم که در حوزه آزادی عمل در کل ۲۳درصد تبعیض متوسط را گزارش می‌کنند. این شاخص شامل مولفه‌هایی مثل رفتن به پارک و سینما و استوران و سفر کردن می‌شد که در کل

پسران آزادی‌عمل بیشتری نسبت به دختران دارند

اگر بخواهیم نتایج به دست آمده از بررسی مولفه‌های جزئی تبعیض را دقیق‌تر بنگریم،

مادران این مولفه پدرسالاری را دقیق‌تر جواب داده‌اند چون درک عمیق‌تری از این پدیده دارند؛ پدران به نوعی هوشمندانه پدرسالاری را کم عنوان کرده‌اند.

کلیشه‌هایی که قاعده ذهنی شده است

انتخاب نام فرزند یا در انتخاب مقصد سفر این حق برای زن لحاظ شده و نابرابری کمتری در آن وجود دارد. این تحقیقات همچنین می‌گفت هر چه تحصیلات و درآمد بیشتر باشد، نابرابری کمتر خواهد بود. یک واقعیت مهم درمورد تبعیض جنسیتی این است که تفسیر تبعیض جنسیتی در متن اجتماعی صورت می‌گیرد. درمورد متن اجتماعی هم باید تعریف درستی ارائه دهیم و بدانیم وقتی می‌گوییم متن، دقیقاً از چه چیزی حرف می‌زنیم، آیا این تعریف از دیدن آدم‌های کوچک و بازار به‌دست می‌آید یا شنیدن آنها؟ واقعیت این است که متن به مجموعه‌ای از معناها و الگوهای گفته می‌شود که پذیرفته شده است. اگر این تعریف از متن را بپذیریم، متوجه می‌شویم که اصلاح‌کردن آن تا چه اندازه ظریف و دقیق خواهد بود. اگر در هر حالتی، چه به‌صورت رادیکال و چه سنتی، باید‌ها را پررنگ کنیم مثلاً بگوییم باید مثل هزار سال پیش عمل کنیم یا باید به وضع سوئد کنونی برسیم، در واقع نابرابری ایجاد کرده‌ایم. به همین دلیل است که باید گفت نسبی‌گرایی در بحث تبعیض‌ها نقش پررنگی دارد. شاید بد نباشد بدانید که در کتاب فلسفه زندگی درمورد نسبی‌گرایی نوشته شده: فرض کنید که زنان نباید هیچ انتخابی داشته باشند جز این که در خانه مشغول باشند و به امور خانه بپردازند. در صورتی که مردان باید بیرون روند و برای معاش خانه بکوشند. ما در مقابل چنین حرفی چه نظری داریم؟ آیا آن را نقض حقوق زنان به‌شمار می‌آوریم. سؤال اینجاست که برای این مسأله چه باید بگوییم؟ آیا باید بگوییم که گروه دیگر در این مورد خطا فکر می‌کنند؟ اگر نسبی‌گرایی مطرح نشود ما تنها درمورد خودمان می‌توانیم نظر بدهیم و نمی‌توانیم بگوییم چه کسی خطا است و چه کسی نیست. در کتاب بردگان آمریکا، دانشجویی در پاریس برای مدارس نامه می‌نویسد و می‌گوید: برابری نوعی اسم است که پس از این‌که وارد جریان خون انسان شد، دیگر هیچ‌کس نمی‌تواند آن را از میان ببرد. این سم سرچای خودمانده و ما را از درون خورده و فرسوده کرده است. منظورش این است که کلاس از اول هیچ‌کس فکر برابری را هم نمی‌کرد. اما بعضی‌ها این کارها را کردند و حالا که دست به این کار زدند، باید به دقت درباره‌اش می‌اندیشیدند و جوانب کار را

دکتر قاسمی در پایان نشست در بخش پرسش و پاسخ درباره برخی انتقاداتی که به مباحث جزئی مطرح شده درمورد تبعیض وارد شده بود با بیان این‌که در مسیر زندگی، ما از زایه مسائلی که خودمان هم حسش نمی‌کنیم صدمه می‌بینیم، عنوان کرد؛ مثل کلیشه‌هایی که در ذهن ما وجود دارد. این که پسر لازم است این کار را انجام دهد یا دختر باید این کار را انجام دهد. اینها سمت‌وسویی است که وجود دارد و ما را هدایت می‌کند. این که ما در کدام تاریخ و جغرافیای پدیده‌های اجتماعی قرار داریم، بسیار مهم است و گاهی همه اینها را باعث می‌شود. به‌نظر می‌رسد میزان تبعیض در حال کم‌رنگ‌شدن است. دگرگونی اجتماعی رخ داده و آزادی اجتماعی به وجود آمده. از طرفی زندگی‌ها به سمت خانواده هسته‌ای پیش می‌رود و همه اینها کمک‌کننده است. حالا این تبعیض از یک سو کمتر می‌شود ولی می‌بینیم در این برابری که بین فرزندان و خانواده رخ می‌دهد، در جامعه نیز تفاوت‌هایی وجود دارد که باعث می‌شود تبعیض‌ها شدت پیدا کنند. حالا شما که فرزندان را آماده از دواج می‌کنید دچار یک تناقضی می‌شوید که از بیرون توسط انواع بستگان و ساختار اجتماعی بر آنها فشار وارد می‌کند. در چنین حالی چون بچه‌مدارگری را یاد نگرفته و در تمام اندیشه‌هایش برابری را لمس کرده در ازدواج دچار مشکل می‌شود. تحمل کردن سخت می‌شود و در نهایت جنجال‌های راه‌اندازیم که چرا خانواده‌ها دارند از هم می‌پاشند. ناسازگاری زندگی در زیر یک سقف باعث احساس نامنی سنگینی می‌شود و این دغدغه را ایجاد می‌کند که آینده فرزندان چه خواهد شد.

دکتر احمد یخاچی: دغدغه ذهنی من درباره تبعیض جنسیتی بیشتر از گفت‌وگوها و دعواهایی که در تلگرام صورت می‌گیرد نشأت می‌گیرد. این اتفاقات بستت یک پدیده‌ای پنهان شده که حاصل از افراط و تفریط‌هایی است که وجود دارد. شاید بد نباشد در چنین مسائلی بیشتر به تبیین و تحلیل بپردازیم و به ما آمارهای اشاره کنیم که در این زمینه وجود دارد. ما اگر بتوانیم در چنین مسائلی تفسیری آرایه دهیم و علت‌ها را واکاوی کنیم، مسیر را درست رفته‌ایم. سال ۸۹ تحقیقی انجام شد تحت‌عنوان مطالعه زنان متاهل

شهر تهران که ۴۵۵ زن متاهل را در منطقه تهران و از مناطق مختلف بررسی می‌کرد. در نتایج به دست آمده از این تحقیق، در سال ۸۹ میانگین جامعه‌پذیری جنسیتی (که از یک تا ۵ لحاظ شده بود)، ۲/۲۷ بود که در سال ۹۳ به ۲/۹۷ می‌رسید. در واقع چیزی نزدیک به ۰/۳ این عدد کاهش پیدا کرد. در این تحقیق از زنان درباره همسرانشان سوال پرسیدیم و دیدیم در طول ۴سال در سرمایه‌فرهنگی اندکی نابرابری‌ها کاهش پیدا کرده

است. تحقیقات همچنین نشان می‌داد در سرمایه نمادین کمتری‌ن میزان نابرابری وجود دارد. اگر قرار باشد مثالی برای سرمایه نمادین بزنیم باید بگوییم، مثلاً در

تجربه‌هایی که نمی‌توان نادیده گرفت کمی با من مدارا کن!

شما اگر پدر یا مادر دلسوزی هستید باید جهت مدارا کردن با فرزند جوان خود به نکات زیر توجه کنید:

۱- فرزند جوانتان را بسا دوران جوانی خود مقایسه نکنید. جوان متعلق به امروز است نه زمان قدیم. از ایشان نخواهید که مثل شما فکر کند. مثل شما زندگی کند یا مثل شما لباس بپوشد.

۲- خواسته‌های فرزندان‌تان را باور داشته باشید. ایشان هم انسان است و دارای فکر و اراده است. به فکر و خواست ایشان احترام بگذارید. اگر مخالف نظر شماست با منطق و دلیل و با محبت ایشان را قانع کنید، نه با تحکم و زور.

۳- زیاد به جوانتان امر و نهی نکنید. از موضع قدرت دستور ندهید. با محبت از ایشان کار بخواهید.

۴- با ایشان لجبازی نکنید.

۵- خواسته خودتان را بر ایشان تحمیل نکنید.

۶- خطاها، لجبازی و مخالفت‌های ایشان را نادیده بگیرید.

۷- در بین جمع و فامیل، شخصیت او را حفظ کنید.

۸- جوانتان را موجودی بی‌خاصیت معرفی نکنید.

۹- از کوچک‌کردن جوانتان پرهیز کرده و همیشه سعی کنید که ایشان را مقتدر معرفی کنید.

۱۰- اگر جوان قادر به انجام کاری نبود، ایشان را با محبت راهنمایی کنید.

۱۱- به جوانتان محبت کنید و از کتک‌زدن بپرهیزید که باعث زوال هیبت شما و لجبازی ایشان می‌شود. حداقل در یک‌ماده سعی کنید

از ایشان برای انجام کارها کمک نگیرید و به رختی کم نکنید.

۱۲- هر چه می‌توانید محبت کنید و از این کار هرگز خسته نشوید. امور تربیتی تدریجی است و اگر کسی مشکل اخلاقی داشته باشد، مدت‌ها طول می‌کشد تا اصلاح شود.

۱۳- شما سعی کنید به زندگی خوشبین بوده و به کل اعضای خانواده به‌صورت مساوی محبت کنید.

۱۴- عدالت بین فرزندان را مراعات کنید.

۱۵- اگر زود عصبانی می‌شوید، با تمرین و تسلط بر اعصاب، از خاوند و خانواده بخواهید که شما را جهت غلبه بر خشم کمک کنند.

۱۶- جهت معالجه اعصاب و زودرنجی - اگر در شما هست - به پزشک مراجعه یا داروهای گیاهی آرامبخش استفاده کنید.

۱۷- شما چون بزرگ منزل هستید، باید تحملتان از همه اعضای خانه بیشتر باشد. همین‌طور به‌مراتب باید از کوتاهی‌های اهل خانه اغماض و گذشت بیشتری داشته باشید.

۱۸- شما در مقابل فحش و جسارت فرزندان‌تان بی‌تفاوت بوده و اصلاً عکس‌العمل انجام ندهید. می‌توانید که فحش دیگران تأثیر فیزیکی در ما ایجاد نمی‌کند.

۱۹- یکی از اسباب تربیت فرزند، قهر کردن است ولی نباید طولانی شود. اگر زمان قهر، بیشتر از یک هفته شود، منجر به کینه و قطع رابطه می‌شود. از همسر‌تان بخواهید با یک بهانه‌ای شما را با فرزندان آشتی دهد.

۲۰- هرگز نباید انتظار داشته باشید که جوانتان مثل شما فکر کرده و هر آنچه توقع دارید برآورده کند. با فرزندان‌تان همان‌گونه برخورد کنید که با جوانان مردم برخورد می‌کنید.

